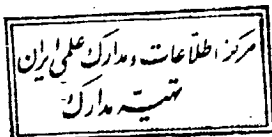


دانشگاه اصفهان

دانشکده زبانهای خارجی

«گروه زبان و ادبیات عرب»



۱۳۷۴ / ۵ / ۲۰

پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد

تحت عنوان:

شرح لغات عربیب جمع البلاغه

بخشی از نامه‌ها و وصایای امام علی (ع)

به راهنمایی:

استاد ارجمند دکتر سید محمد باقر کتابی

به مشاورت:

استاد گرامی دکتر سید علی میر لوحی

به اهتمام:

شاهرخ محمدی

بهار ۱۳۷۴

۴۱۷ ✓

تقدیریم بیه :

سوختگان حق و حقیقت در پر تو عشق و لایت

و به شیفتگان خدمت در هر لباس و کسوت

از ابتدای خلقت تا حال و تا قیامت

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

- پیشگفتار ۱
- شیوه نگارش و ذکر برخی نکات ۷
- رموز و علائم اختصاری ۱۱

■ بخش اول

(مقدمه)

- ۱- ضرورت شناخت واژه‌های غریب ۱۲
- ۲- انگیزه اهتمام به علم غریب ۱۳
- ۳- تاریخچه پیدایش علم غریب القرآن و الحدیث ۱۶
- ۴- غریب در لغت و اصطلاح ۲۱
- ۵- اقسام غریب ۲۴
- ۶- تعریف علم غریب و نسبی بودن آن ۲۷
- ۷- تألیفات در علم غریب القرآن و الحدیث ۲۸

■ بخش دوم

- شرح لغات غریب‌نامه‌های مورد بحث نهج البلاغه ۳۴
- فهرست لغات ۲۸۲
- فهرست منابع و مأخذ ۲۹۱

سنگھار

پیشگفتار

كَلَامٌ عَلِيٌّ كَلَامٌ عَلِيٌّ

وَمَا قَالَهُ الْمُرْتَضَىٰ مُرْتَضَىٰ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ حَبِيبِهِ وَنَجِيْبِهِ سَيِّدِنَا وَحَبِيْبِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ
عَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ، سَيِّمًا مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْقَائِمَ الْمُنْتَقِمَ الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ
صَاحِبَ الْأَمْرِ وَالزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ فُرْجَهُ وَسَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ.

کتاب گرانقدر نهج البلاغه مشتمل بر سخنان گهربار مولی الموحّدين امير المؤمنين امام علی (ع) می باشد که در سه بخش عمده تحت عنوان «خطب» و «رسائل» و «حکم» گرد آمده و این مهم توسط سید رضی (ره) انجام گرفته است.

این کتاب شریف که آن را «اخوالقرآن» و «ترجمان القرآن» نام نهاده اند حاوی نکات بسیار مهم و ارزنده و در عین حال بسیار زیبا و پرجاذبه ای است که نه تنها نظر اهل فن را بلکه نظر هر بیننده صاحب ذوقی را در همان نگاه نخست به خود مجذوب می سازد. این کتاب از جنبه های گوناگون اعتقادی و دینی، فلسفی و عرفانی، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی و اجتماعی، نظامی و سیاسی، علمی و ادبی و اقتصادی و ... قابل بحث و بررسی است.

یکی از جنبه های پرجاذبه این کتاب الهام گرفته از قرآن، بعد فصاحت و بلاغت آن است که بعد از قرآن کریم و فرمایشات رسول اکرم (ص) مقام اول را از آن خود ساخته است، فصاحت و بلاغتی که به مصداق «حَبْلُ اللَّهِ» همچون طنابی استوار و متین، تار و پودش تنیده از هزاران نکته باریکتر از مو (چون کنایات و تشبیهات و استعارات و ...) می باشد و از صِدْرِ اسْلَام تا کنون بعنوان «رَقِيبٌ بِالْمُنَازِعِ» این میدان «هَلْ مِنْ مَبَارِزٍ» می کرده است و هیچ یک از ارباب سخن چه در گذشته و حال و چه در آینده نتوانسته و نخواهد توانست جمله و عبارتی به شیوایی و زیبایی این کتاب نفیس بیاورد.

از سوئی باید دانست که این کتاب شریف به مصداق بزرگ مرجعش (قرآن کریم) و به اقتضای اندیشه والای صاحبش، دارای بطن و بطونی بوده و از معانی عمیق و مفاهیم ویژه‌ای برخوردار است چرا، که نهج‌البلاغه کتاب زندگی و در واقع گنج سعادت ابدی است که در راستای هدف آفرینش و خلقت، متضمن برنامه تکاملی همه‌جانبه بشری است و بی جهت نیست که در وصف مقام صاحبش گفته‌اند: «سخن او فروتر از کلام خالق و فراتر از کلام مخلوق است».

پس این مختصر با این رسالت بزرگ باید دارای معانی عدیده و بطون نهفته‌ای باشد تا در شرایط مختلف روزگار (زمانی و مکانی) و بروز حوادث گوناگون، جوابگوی نیازهای مادی و معنوی بشریت بوده و همواره به عنوان مشعلی فروزان در فرا راه مسیر آنان به سوی کمال پرتوافشانی کند.

بنابراین بر پژوهشگران دین باور متعهد است که بی‌وقفه بمنظور دستیابی به گوهرهای ناب و پربهای این معدن عظمت و برای شناسایی و استخراج هرچه بیشتر ذخیره‌ها و دردانه‌های نهفته در دل این گنج عظیم معرفت و استفاده بهینه از این همه نعمت، بر سعی و تلاش خود بیفزایند و هرکدام از آنان در رسیدن به آن نقیبی بزنند و چاره‌ای بیندیشند و با ارائه طرحهای نو و اندیشه‌های پویاگامی - هرچند کوتاه - در جهت معرفی ابعاد ناشناخته این کتاب به جهانیان و بویژه به نسل سرگشته کنونی قرن بیستم بردارند و بدانند که قیام به این مهم، در واقع خود پاسخی است به ندای امام فقیدمان خمینی کبیر (ره) که همواره در پی ایجاد انقلاب فرهنگی و صدور آن، خواستار فتح سرزمینهای دوردست اندیشه‌ها و گشودن مرزهای تفکر بشری بودند، تا به برکت این قیام - و به خواست خدا - گرد جهل و جهالت و غبار هوی و شهوت برای همیشه از صفحه عقول و اذهان بشری زدوده گردد.

البته می‌پذیریم که دانشمندان بزرگ و اندیشمندان زبردست و غواصان حرفه‌ای هم تاکنون خود از درک ژرفای این اقیانوس بیکران (نهج‌البلاغه) وامانده و یا آنجا که پای وصف خود مولی به میان آمده درمانده‌اند و به گونه‌ای زیرکانه از زیر بار سنگین آن شانه

خالی نموده‌اند تا جائیکه حتی شاگرد مکتب او و پیرِ مرشد ما یعنی خمینی روح‌الله (ره) هم خود را از این معرکه کنار کشیده و در پیامی که به مناسبت برگزاری کنگره هزارهٔ نهج‌البلاغه پیرامون شخصیت والای آن امام همام داوود، ضمن اعتراف به این عجز^{چنین} فرمودند:

«... دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضایل و با همه دانش ارجمندشان، آنچه از آن جلوهٔ تامّ حق دریافت کرده‌اند در حجاب و جوه خود و در آینهٔ محدود نفسانیت خویشان است و مولی غیر از آن است، پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوئیم: علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود و این بزرگترین شاخصهٔ اوست که می‌توان از آن یاد کرد و پرورش یافته و تربیت شدهٔ پیامبر عظیم‌الشأن است و این از بزرگترین افتخارات اوست...»^۱.

پس با این اوصاف چاره چیست؟ آیا نباید از باب «ما لا یدرک کله لا یتزک کله» هم که شده به سراغ آن رفت و به این بیت اذعان نمود که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید؟

آری گهر یک از ما ناچاریم به قدر تشنگی هم که شده، جرعه‌ای از آن نوشیده و جامی از آن پرسازیم و از بوستان معرفت و کمال بی‌انتهای آن گلی چیده و شامه را طراوتی بخشاییم و بدانیم که گل‌های این گلستان از چنان عطر و رائحه‌ای برخوردارند که هیچگاه مشام جان از بوئیدنش ملال نمی‌گیرد و گوش دل از لذت شنیدن آواز مرغکانش سیر نمی‌شود و ذائقهٔ روح از چشیدن شهد شیرین معارفش خسته نمی‌گردد و دیده از گردش در گل‌های رنگارنگ معانیش افسرده و رنجور نمی‌شود؛ برآستی مگر کسی از نوشیدن آب حیات و بوئیدن مشک و عود و دیدن گل و سنبل و شنیدن نغمه بلبل، آزرده هم می‌شود؟! پس بناچار برای راه یافتن به این گلستان پر عظمت و بوستان سراسر معرفت باید راهی جست و مدخلی باز نمود و شاید یکی از برگزیده‌ترین و نزدیکترین راه‌ها که ما را در رسیدن به آن یاری و مدد می‌نماید همان «شناخت لغات غریب» آن باشد که موضوع

اصلی این رساله است.

پس به این ترتیب پرداختن به نهج البلاغه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و از آنجا که اینجانب از همان زمان کودکی عشق و علاقه وافری را در وجود خویش نسبت به زاده کعبه و کشته محراب حضرت ابوالاثمه امیرالمؤمنین علی (ع) احساس می‌نمودم و توصیف کلام او را (بارها و بارها) از زبان بزرگانی چون شهید مطهری (ره) و دیگران زیاد شنیده بودم، همواره در پی یافتن فرصتی بودم تا از نزدیک با این کتاب بزرگ آشناگردم و از سرچشمه زلال و نابش قطره‌ها بی‌اشامم و از خرمن معارفش خوشه‌ها برچینم که - بحمدالله و المنة - با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن با حضور در پهنه علم و دانش دانشگاه، بار دیگر توفیق الهی یار گشت و مرا به کوی و برزنی رهنمود ساخت که فضای آن را آکنده از علم و ادب و تارک آن را به زیور فضل و شرف آراسته یافتم که خود جای بسی شکر و سپاس است. آری، در این جا بود که می‌بایست موضوعی را تحت عنوان «پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد» انتخاب و جهت تصویب به گروه محترم عربی پیشنهاد می‌نمودم، مدتها در این فکر بودم که چه موضوعی را انتخاب کنم تا از سویی با رشته تحصیلی این جانب نوعی همگونی و همخوانی داشته و از سویی دیگر، علاوه بر این که ضرورت زمانی داشته با میل درونی هم به نحوی سازگار باشد به گونه‌ای که بتوان از این فرصت طلائی پیش آمده کمال استفاده را نمود. ماهها می‌گذشت تا این که در پرتو مشورت با بزرگانی چون جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سیدعلی میرلوحی رئیس محترم دانشکده زبانهای خارجی و مدیر محترم گروه عربی که به حق مشوق خوب و مشاور نیکی در این امر بودند و با توجه به علاقه دیرینه‌ام موضوع «شرح لغات غریب نهج البلاغه بخشی از نامه‌ها و وصایای امام علی (ع)» جهت تصویب به گروه محترم عربی پیشنهاد نمودم و آن بزرگان هم با دقت و تیزبینی و عنایت خاصی که به این موضوع داشتند از آن استقبال نمودند و به تصویب رساندند.

چرا بخش نامه‌ها و وصایا؟

به دو دلیل به این بخش پرداخته شده است :

الف - اول اینکه نامه‌ها یکی از سه بخش عمده نهج البلاغه است که حضرت امیر (ع) در قالب آنها مهمترین دستورات و فرامین کلی خود را در امر چگونگی حکومت، به کارگزاران خویش بیان فرموده است. بدین گونه که حضرت (ع) شرح وظایف هر یک از آنان را به طور دقیق و روشن، مشخص ساخته و در طی آنها برگزیده‌ترین وصایا و سفارشات خود را ایراد نموده‌اند. بدیهی است، توجه به مفاد و محتوای آنها در این مقطع از زمان برای دولتمردان و کارگزاران حکومت نوپای اسلامی ما چه اندازه ضرورت داشته و تا چه حدی در اداره امور کشور و حل مشکلات گوناگون آن مفید و کارساز خواهد بود. چون در واقع بهترین الگوی علمی و عملی که می‌تواند در صحنه دین و سیاست عرض اندام کند محتوای همین نامه‌های نهج البلاغه است که می‌بایست سرمشق و «نصب العین» سردمداران حکومتی و دیگر کارگزاران نظام مقدس اسلامی - از بالا به پایین - قرار گیرد.

ب - دیگر اینکه، تعدادی از این نامه‌ها که خطاب به معاویه بوده است پیش از این توسط دوست عزیز و سرور گرامیم آقای سید اسماعیل نوری تحت عنوان «شرح لغات غریب نهج البلاغه بخش نامه‌های حضرت علی (ع) به معاویه» مورد بحث و بررسی لغوی قرار گرفته‌اند و از آن جا که هنوز نامه‌های دیگری باقیمانده بودند که می‌بایست به شرح آنها پرداخته می‌شد؛ بنابراین بر آن شدم که بقیه «نامه‌ها» و تمامی «وصایا» را مورد بحث و بررسی قرار داده تا بلکه بدین طریق شرح لغات مربوط به این بخش پایان یافته تلقی گردد. ناگفته نماند با وجود این که تا کنون شروح متعددی بر این کتاب بزرگ نوشته شده است و غالباً هم در کنار طرح مباحث دیگر، به شرح و بسط لغوی آن پرداخته شده است با این حال می‌توان گفت این نیاز برای جامعه فارسی زبان ما همچنان باقی است، زیرا نهج البلاغه در جامعه ما - علیرغم تلاشها و کوششهای زیاد - باز هم غریب و ناشناخته باقی مانده است همچنانکه خود مولی علی بن ابیطالب (ع) هم این چنین است و هنوز جای بسی تحقیق و تفحص دارد، منتهی این تحقیق و تفحص باید به صورتی پرجاذبه،

همراه با شیوه‌های جدید علمی و در قالب طرح‌های نوین ادبی و در عین حال به سبکی بسیار ساده و روان ارائه گردد، به گونه‌ای که برای نسل جدید جذابیت داشته و موجبات استقبال آنان را از آن فراهم سازد که این رساله خود در پی چنین سودائی به رشته نگارش درآمده است.

منابع عمده‌ای که در تهیه این رساله از آنها بهره فراوان گرفته‌ام به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: شامل منابع علوم قرآنی و کتابهای تفسیر و حدیث می‌باشد که در تهیه بخش اول رساله در مورد تحقیق از واژه «غریب» از آنها زیاد استفاده گردیده و عبارتند از:

کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» نوشته سیوطی، «البرهان فی علوم القرآن» از زرکشتری، «کشف الظنون»^{حلی} از ابن اثیر، «غریب القرآن» از ابن قتیبه، «التّهایه» از ابن اثیر، «غریب الحدیث» از ابو عبید هروی، «کشاف اصطلاحات فنون» از تهانوی و غیره.

گروه دوم: شامل منابع عمده لغت و شروح نهج البلاغه و همچنین ترجمه‌های گوناگون آن می‌باشد که در تهیه بخش دوم رساله از آنها زیاد استفاده شده است عبارتند از:

«لسان العرب» از ابن منظور، «الصّحاح» از جوهری، «منتهی الارب» از صفی پور، «المفردات» از راغب اصفهانی، «اساس البلاغه» از زمخسری و همچنین «شرح نهج البلاغه» از ابن ابی الحدید، «شرح نهج البلاغه» از ابن میثم بحرانی، «منهاج البراعة» خوئی، «المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه» از محمد دشتی، «قرآن کریم» ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای، «فرهنگ لاروس» از خلیل جرّ و منابع دیگر.

در مورد استفاده از ترجمه‌های نهج البلاغه هم باید گفت، ترجمه‌های گوناگون و رنگارنگی در پیش رو بوده، از جمله ترجمه دکتر شهیدی، ترجمه مولی فتح‌آ... کاشانی و غیره که مورد استفاده قرار گرفته است. جز این که به ترجمه مرحوم فیض الاسلام بیشتر تکیه شده چون که آن را حقیقتاً در همخوانی با لغت عرب بسیار سازگارتر از دیگران یافتیم.

شیوه نگارش و ذکر برخی نکات

در مورد این رساله ذکر نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد که عبارتند از:

- عنوان اصلی این رساله «شرح لغات غریب نهج البلاغه بخشی از نامه‌ها و وصایای

امام علی (ع)» می‌باشد.

این رساله در دو بخش عمده تألیف گردیده:

بخش اول، که همان مقدمه است و در طی آن، به طور نسبتاً جامعی به بررسی واژه

«غریب» و مسائل دیگر مربوط به آن پرداخته شده است.

بخش دوم، رساله، شرح لغات غریب نهج البلاغه را در برمی‌گیرد که متن اصلی رساله

است و در واقع کار ما از آنجا شروع می‌گردد، در این بخش با رجوع به منابع مهم لغت و

شروح برجسته نهج البلاغه و ترجمه‌های گوناگون و فرهنگهای مختلف عربی - فارسی و

دیگر منابع به شرح لغات پرداخته شده است و سپس نتایج تحقیقات بدست آمده پس از

تنظیم و ترتیب آنها، در سبکی جدید و قالبی نو ارائه گردیده که شاید در نوع خود بسیار

جالب و پرجاذبه باشد.

از ویژگیهای دیگر اینکه، سعی گردیده که کلمه مورد بحث و تمامی مشتقات غریب

آن به هر دو زبان عربی و فارسی به طور دقیق مورد ترجمه قرار گیرند تا به این شکل،

برکات و ثمرات آن عام و فراگیر بوده و در رجوع فارسی زبانان و عرب زبانان به آن،

هیچیک بی بهره نمانند؛ علاوه بر اینکه فارسی زبانان از این رهگذر (همجواری کلمات

عربی و فارسی) انس و الفت بیشتری با زبان عربی و کلمات نهج البلاغه پیدا می‌کنند.

بدیهی است که این سبک عمل خود می‌تواند در جهت آشنایی نسبی نسل جدید و بویژه

دانشجویان و جوانان با نهج البلاغه و در نهایت آشنایی آنان با مفاهیم کلی و مضامین عالیة

آن، گامی بس مؤثر و مفید تلقی گردد که غرض اصلی این رساله هم بر همین رویه استوار

است، گر چه که نگارنده خود نمی‌داند با این سبک عمل آیا در رسیدن به هدف چه اندازه

موفق بوده بلکه تنها چیزی که می‌داند اینکه، کارهای کوچک همیشه مقدمه‌ای است برای

کارهای بزرگتر.

- باتوجه به این که نسخه‌های نهج البلاغه از نظر حذف و اضافه متفاوت بودند، بنابراین نسخه نهج البلاغه شرح شیخ محمدعبده مبنا قرار گرفت.

- طریقه کار در شرح لغت به این صورت بوده است، لغتی که غریب تشخیص داده شده، بدون این که حرفی از آن کم و زیاد گردد و یا حتی حرکت اعرابی آن تغییر یابد عیناً از متن نهج البلاغه استخراج و بعنوان موضوع با خطی درشت در داخل پرانتز قرار گرفته و سپس به ترتیب از ریشه ثلاثی مجرد آن گرفته تا ثلاثی مزید و ذکر اسماء - بسته به ضرورت و نیاز - به شرح آن پرداخته شده است و در پاره‌ای موارد از آثار دیگری چون نظم و نثر و حدیث و مثل و غیره - آنجا که به نحوی در شرح کلمه مفید و مؤثر بوده‌اند - استفاده فراوان گردیده است و در پایان شرح لغت «موارد استشهاد این کلمه و مشتقات آن» در نهج البلاغه، آمده است.

- دیگر اینکه واژه‌های غریب هم ریشه مثل «فلتة» و «تفلت» و «افلت» که همگی از یک ماده مشتق شده‌اند و در متن نامه‌ها پراکنده‌اند، با رجوع به کتاب «المعجم المفهرس لالفاظ البلاغة» جمع‌آوری شده و در متن رساله یکجا به شرح و بسط آنها پرداخته شده است.

- تمامی اشعار و امثال و احادیث و عبارتهای دیگر به خاطر سهولت در لفظ اعراب‌گذاری شده و مورد ترجمه قرار گرفته‌اند.

- در ترجمه عبارات نهج البلاغه از ترجمه‌های گوناگون استفاده شد مگر اینکه - بنا به دلایلی که گذشت - به ترجمه فیض الاسلام بیشتر اعتماد شده است.

- از مجموع ۷۸ نامه نهج البلاغه، به جز لغات نامه‌های شماره (۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۴، ۶۵، ۷۳ و ۷۵) که همگی آنها - بی‌استثناء - خطاب به معاویه بوده‌اند و همچنین لغات دو عهدنامه شماره (۲۷ و ۵۳) که به ترتیب خطاب به محمد ابن ابی‌بکر و مالک اشتر می‌باشد لغات بقیه نامه‌ها در این رساله مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند.

- از آن جا که غرابت امری است نسبی، این تعداد لغات که ذکرشان در فهرست آمده است به نظر ما غریب رسیده است، ضمن اینکه هیچگونه ادعایی هم در کار نیست مبنی

بر این که تمام لغات غریب کار شده‌اند و ای بسا هنوز لغاتی باشند که یا از دست نگارنده فرو افتاده یا در نظری غریب نیامده‌اند.

– از تمامی لغاتی که در این رساله مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند در پایان کار فهرستی تهیه شده که به منظور دستیابی سریع و آسان دانشجویان یا دانش‌آموزان به کلمه مربوطه، براساس حرف اول کلمه – نه حرف اول ریشه – تنظیم گردیده است. بدیهی است این رساله – با همان غرضی که ذکر شد – در جامعه فارسی زبان تألیف گردیده و طبیعی است که بیشتر ارباب رجوع آن نیز از همین قشر بوده باشند و ای بسا که از علم صرف و ریشه‌یابی کلمات هم بضاعت چندانی نداشته باشند؛ بنابراین به خاطر رفع این مشکل، چنین روشی در ترتیب کلمات انتخاب گردید. پس بایستی کلمه «فلته» را در حرف (ف) و «تفلت» در حرف (ت) و «افلت» را در حرف (أ) یافت.

لازم به ذکر است که حروف ناصبه و جاذمه و یا حروف نفی و نهی و الف و لام در ترتیب فهرست کلمات نقشی ندارند.

– و سرانجام از آن جا که انسان هیچگاه خالی از خطا و اشتباه نیست شکی ندارم که بنده هم در روند تألیف این پایان‌نامه دچار برخی از خطاها و لغزشها شده باشم به همین جهت پیش از هر چیز از ساحت قدس نهج البلاغه پوزش خواسته و از بزرگان هم تقاضا دارم که به گاه برخورد با چنین مواردی ^{که از جانب من سرزده} به مصداق «اذ امرُوا باللغو مرُوا کراماً» با بزرگواری خویش از بر آنها گذشته و با یادآوری آنها به من منت گذارند.

در پایان خدای را سپاس می‌گویم که توفیق نگارش این پایان‌نامه را به من عطا فرمود و در همین جا نیز بر خود فرض می‌دانم که از زحمات بی‌شائبه یکایک اساتید ارجمندی که از محضرشان کسب علم نمودم و درک فیض کردم بویژه از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمدباقر کتابی و اساتید مشاور جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سیدعلی میرلوحی و جناب آقای دکتر نصرآ... شاملی که در تهیه این رساله با سعه صدر و بردباری تمام، مرا در همه مراحل تدوین آن از بذل عنایت خویش بهره‌مند ساختند کمال تشکر و سپاس را داشته باشم.

از مسئولین محترم کتابخانه‌های دانشگاه اصفهان بویژه از کارکنان و مسئول محترم کتابخانه دانشکده زبانهای خارجی که انصافاً برگردن ما حق بزرگی دارند بی نهایت سپاسگزارم.

از کلیه کارمندان زحمتکش دانشکده زبانهای خارجی که بیش از هفت سال موجبات زحمت آنان را فراهم کردم سپاسگزاری می‌کنم.

از کانون فرهنگی ادیب که در تایپ این پایان‌نامه کمال همکاری را داشتند تشکر و قدردانی می‌کنم.

همچنین از کلیه افراد دیگری که به نحوی اینجانب را در تهیه و تدوین این پایان‌نامه، یاری رساندند و بویژه از دوست عزیز و ارجمندم جناب آقای سید اسماعیل نوری که علاوه بر نظرات ارشادی، با در اختیارگذاوردن برخی از مهمترین منابع کتاب، کمک بزرگی به اینجانب نمودند، از همگی آنان کمال تشکر و امتنان را دارم و از خداوند بزرگ برای همگان توفیق روزافزون توأم با صحت و سلامت را آرزومندم.

فَلْهَمْ مِنْ جَزِيلِ الشُّكْرِ لِلَّهِ الْإِجْرُ الثَّوَابُ .